

گزارش آکسیون اعتراضی

به مناسبت ۲۸مین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در دهه‌ی ۶۰ و تابستان ۶۷
شنبه اول اکتبر ۲۰۱۶ - بروکسل



طبق فراخوان قبلی شنبه بعد از ظهر اول اکتبر در مرکز شهر بروکسل - «پلاس دو لا مونه» - به مناسبت ۲۸مین سال قتل عام زندانیان سیاسی توسط رژیم جمهوری اسلامی در تابستان ۶۷ و دهه‌ی ۶۰، یک آکسیون اعتراضی برگزار شد. در این آکسیون که توسط کمیته‌ی جوانان بلژیک و سازمان زنان هشت مارس (ایران-افغانستان) - واحد بلژیک، سازمان‌دهی شده بود، فعالین این تشکلات و شماری از فعالین سیاسی ایرانی در بلژیک شرکت فعال داشتند؛ و بعضی از فعالین غیرایرانی (ترک، گُرد، عرب و بلژیکی ...) نیز برای حمایت و اعلام همبستگی با این مبارزات همراه شدند.

بنا به اهمیت موضوع اعدام‌های دهه‌ی شصت و همچنین نقش اعدام و سرکوب در ساختار دولت جمهوری اسلامی و مشخصاً بنا به شرایط سیاسی ایران در عرصه‌ی جهانی و تلاش رژیم برای نشان دادن یک چهره‌ی منعطف و دیپلماتیک از جمهوری اسلامی و هم‌زمان تشدید اعدام‌ها در ایران تصمیم گرفته بودیم یک حرکت اعتراضی وسیع‌تر نسبت به اعدام زندانیان سیاسی و غیرسیاسی، در فضای عمومی و عمدتاً رو به جامعه‌ی غیر ایرانی سازمان‌دهی نماییم. هرچند از نظر ما باید کماکان و بیش از پیش جلسات بحث و گفتگو و یادمان و ... به یاد جان‌باختگان دهه‌ی شصت و سال ۶۷ برگزار نمود؛ اما امروز بیش از آن لازم است تا با اتکا به علل این جنایت تاریخی، بیش از پیش جمهوری اسلامی و سکوت معنادار و رضایتمندانه‌ی کشورهای امپریالیستی را افشا نمود تا بتوانیم در واقعیت پایانی بر روند این جنایات گذاشته و با تقویت جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی زمینه‌ی واقعی برای دادخواهی از این جنایت و سایر جنایات جمهوری اسلامی و شرکا ایجاد نماییم. با این هدف به شکل گسترده رو به جامعه‌ی ایرانی و غیرایرانی فراخوان داده بودیم تا برای متحقق کردن این اهداف ما را همراهی کنند.

این برنامه قرار بود از ساعت ۱۵ تا ۱۷ برگزار شود ولی ما پیش از ساعت ۱۵ در محل بودیم و شروع به نصب پلاکاردها و بنرها بر دیوارهای اطراف و چسباندن عکس‌های جان‌باختگان و متن‌ها و عکس‌های افشاگرانه بر روی زمین کردیم که پیش از شروع رسمی آکسیون جمعیتی را حول ما گردآورد. شعارهای بزرگ و بلند «سرنگون باد جمهوری اسلامی!» و «از مبارزات مردم ایران حمایت کنید!» بر دیوار جلب توجه می‌کرد؛ اما ترکیب عکس‌هایی که آگاهانه و با دقت انتخاب شده بود، بیشترین تأثیر را در جلب نظر رهگذران، توقف و پرسش‌گری داشت. عکس‌ها عمدتاً مربوط به جان‌باختگان دهه‌ی ۶۰ از احزاب و سازمان‌های سیاسی مختلف بود اما با ترکیب عکس‌هایی از دگراندیشان و قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای، جان‌باختگان خیزش ۸۸ و اعدامیان ملل تحت ستم گُرد و عرب ... و حتی اعدامیانی با جرائم غیرسیاسی و ناپدیدشدگان و ... روند گسترده و ادامهدار و سیستماتیک اعدام‌ها را برجسته می‌کرد. در میان عکس‌ها هم تکرار واژه‌ی «ناپدیدشده» و

«گمنام» به زبان‌های مختلف، اشاره‌ی آشکار بر این داشت که این عکس‌ها «مشت نمونه‌ی خروار است!» و بسیار کسانی هستند که بی‌هیچ نشانی ناپدید، اعدام و کشته‌شده‌اند. تصاویری از هیئت مرگ به‌علاوه‌ی آمرین کشتارهای سال ۶۷ به‌خوبی نشان می‌داد که چهره‌های به‌اصطلاح منعطف امروز در تحکیم و بقای جمهوری اسلامی و جنایات آن شریک‌اند. در کنار تمام این عکس‌ها، مجموعه‌ای از متن‌ها و عکس‌های افشاگرانه از «ایران امروز» دیده می‌شد. نمودار اعدام‌ها که به‌وضوح رشد شدید اعدام تحت دولت روحانی را نشان می‌داد. آمار فقر، تن فروشی، بی‌کاری، کارتن‌خوابی و بی‌خانمانی، کودکان کار و ... تحت دولت به‌اصطلاح معتدل روحانی نشان می‌داد که چگونه قرار است درهای جهنمی به نام ایران را به روی سرمایه‌های جهانی ببینیم از پیش بکشایند. متونی افشاگرانه که قوانین ضد زن مبتنی بر شریعت در ایران را افشا می‌کرد و به آیاتی از قرآن در مورد وضعیت زنان و ... اشاره داشت؛ و همچنین به وضعیت ملل تحت ستم و اعدام همجنس‌گرایان و ... اشاره می‌کرد. هدف از این بخش این بود که با توهمی که امروزه از طرف مدیای جهانی گسترده می‌شود مقابله شود که گویا با روی کار آمدن دولت روحانی و تعامل با غرب وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران بهبود یافته و ایران «بهشت» کشف نشده‌ای برای سرمایه‌گذاری و تورسیم است.

با فاصله‌ی کمی از این عکس‌ها و بسیار آگاهانه مجموعه‌ی دیگری از عکس‌ها قرار داشت که به جنایات دولت‌های امپریالیستی در گوشه و کنار جهان اشاره داشت و ترکیبی بود از عکس‌های جنایت‌کاران و جنایات آن‌ها در اندونزی، آلمان، فلسطین، کنگو، ترکیه و رواندا و ... تصاویر تکان‌دهنده‌ای از قتل‌عام‌ها و سزای دول امپریالیستی با دیکتاتورهای طرف معامله‌شان و فجایعی که سکوت رضایت‌مندان‌ه‌ی دولت‌های امپریالیستی آن‌ها را مسکوت باقی گذارده اما هرکدام از آن‌ها سندی است که نشان می‌دهد که این جنایات بخشی از کارکرد ماشین دولتی در کشورهای مختلف و سیستم سرمایه‌داری حاکم بر جهان است. چیدمان انترناسیونالیستی عکس‌ها که ارتباط میان حلقه‌های جنایت و ستم سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی در سرتاسر جهان را به‌خوبی نشان می‌داد، حس هم‌سرنوشتی را در مخاطبان برمی‌انگیخت.

در مقابل تلاش ما برای بازنمایی این اهداف، واکنش مردم بسیار متفاوت و عمدتاً پرشور و انرژی‌بخش بود. پخش موسیقی اعتراضی و انقلابی روحیه‌ی مبارزه در مقابل این فجایع را تقویت می‌کرد؛ و همچنین بازپخش مکرر قطعه‌ای افشاگرانه به زبان انگلیسی که در آن از فتوای خمینی، اهداف جمهوری اسلامی، کار هیئت مرگ و دادگاه‌های چنددقیقه‌ای در سال ۶۷ پرده برمی‌داشت، بسیار تأثیرگذار بود؛ و مردم را وادار به توقف و توجه به تصاویر می‌نمود. مردم با تعجب و نابوری درخواست می‌کردند که بیانیه‌ها را دریافت کنند و به همین دلیل در همان نیم ساعت اول تمام بیانیه‌های ما تمام شد و ما مجبور شدیم دوباره کپی کنیم و با وجود این که نیم ساعتی از این آکسیون هم باران بارید اما در نهایت در همین یک ساعت و نیم نزدیک به هزار بیانیه به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، عربی و فارسی پخش کردیم. رفقای که مسئول پخش بیانیه بودند، دائماً در حال بحث با جمعیت به زبان‌های مختلف بودند. چون مردم از ملیت‌های مختلف توقف می‌کردند و سوالات متفاوتی داشتند. بسیاری از اروپایی‌ها از این که برای اولین بار با این موضوع رو به رو می‌شدند تعجب می‌کردند؛ و احتمالاً انتظار داشتند که چنین جنایتی توسط مدیای این کشورها منعکس شود؛ و ما با آوردن مثال‌های متعدد روشن می‌کردیم که چرا مدیای غرب هماهنگ با منافع غرب نسبت به این جنایات سکوت کرده است. بسیاری از عرب‌های ساکن بلژیک یا نسل دومی‌ها با تعجب و کنجکاو می‌کردند؛ و با دریافت نسخه‌ی عربی بیانیه بیشتر تعجب می‌کردند. بعضی هم معترضان می‌گفتند مگر فقط جمهوری اسلامی جنایت کرده است؟! و ما پاسخ می‌دادیم نه! و به همین دلیل معتقدیم این یک سیستم جهانی است که در ایران شکل تئوکراسی دارد و با نشان دادن عکس‌هایی از جنایت بلژیک در کنگو و رواندا به تعجب آن‌ها افزوده می‌شد. می‌گفتند رابطه‌ی بین جنایات جمهوری اسلامی و کشورهای غربی برای‌شان ناروین است ولی عمدتاً دیگر معترض نبودند و ما در حدی که صبر آن‌ها اجازه می‌داد، توضیح می‌دادیم. بعضی می‌گفتند چرا در مورد کردستان حرف نزنید و رفیقی ضمن نشان دادن عکس‌های جنایات جمهوری اسلامی در سنج سعی می‌کرد به زبان کردی اهداف این آکسیون را توضیح می‌داد. مردی سوری که می‌گفت خبرنگاری اهل دمشق است، گفت: چرا از سوریه حرفی نزدید؟ ما هم عکس خامنه‌ای و بشار اسد را نشان دادیم و توضیح دادیم که چرا ما فکر می‌کنیم افشاگری از جمهوری اسلامی و نقشه‌هایش در خاورمیانه و تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی از نظر ما بزرگترین همبستگی با مردم سوریه است. او ضمن نشان دادن عکس‌هایی از شهر سوخته و خونین‌اش روی موبایل، باز می‌پرسید: پس شما اسد را حمایت نمی‌کنید؟ و قطعاً پاسخ ما منفی بود. او هم راضی از پاسخ ما ولی با عصبانیت لگدی بر عکس اسد در کنار خامنه‌ای فرود آورد و رفت. دختری بلژیکی که دو ماه پیش به ایران سفر کرده بود می‌گفت مردم ایران مهربان و مهمان‌نوازند اما نارضایتی از حکومت و اوضاع اصلاً قابل پوشاندن نیست. دختر دیگری که دو سال پیش به ایران سفر کرده بود، اصرار داشت که راه مؤثرتری برای این افشاگری بیابیم و آن‌ها را هم شریک کنیم، می‌گفت وقتی مجبور شده برای سفر به ایران حجاب بر سر کند احساس تزویر می‌کرده است. او در پاسخ به پیرمرد ۹۴ ساله‌ای که می‌گفت: بله بالاخره شما باید از دمکراسی در بلژیک استفاده کنید؛ گفت که خیلی هم به این دمکراسی مطمئن نباش و بحث بین‌شان در گرفت. زنی یهودی‌تبار که به عکس‌های آشوب‌ش با دقت نگاه می‌کرد، گفت خیلی تمایل دارد با ما صحبت کند ولی چون از دوستانش عقب مانده فقط به دادن کمک مالی بسنده می‌کند. دو مرد که ابتدا بی‌توجه می‌گذشتند وقتی به جمله‌ی «در ایران همجنس‌گرایان اعدام می‌شوند!» رسیدند توقف کردند و دوباره برگشتند و این‌بار با دقت عکس‌ها و متن‌ها را نگاه کردند و بیانیه خواستند. کودک پنج‌شش‌ساله‌ای از مادرش می‌پرسید: این‌ها چه کسانی هستند؟ و مادر سعی می‌کرد به زبان ساده بگوید، کسانی هستند که به خاطر مقاومت کردن در مقابل زور کشته‌شده‌اند. استقبال طوری بود که حتی وقتی باران شدید باریدن گرفت باز هم کسانی برای دیدن عکس‌ها توقف می‌کردند. پیش از پایان برنامه هم بیانیه‌ی آکسیون و متن افشاگرانه‌مان را به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و عربی خواندیم که با استقبال حاضرین مواجه شد. خصوصاً وقتی که بیانیه به زبان عربی خوانده می‌شد، توجه عرب‌ها را برمی‌انگیخت

که این‌ها چه کسانی هستند که به زبان عربی افشاگری می‌کنند. برای غیر عرب‌ها هم که با شنیدن زبان عربی به شکل خودکار انتظار داشتند با یک جمع اسلامی مواجه شوند، عجیب بود که ما چه می‌گوییم و کنجکاوتر به ما نزدیک می‌شدند.

اما باید اذعان کرد که همه‌ی برخوردها هم حمایت‌گرانه نبود. دختری ایرانی که با دوستش از آن محل می‌گذشت معترض بود که ما در حال تخریب «چهره‌ی ایران» هستیم و او هر سال به ایران سفر می‌کند و اصلاً چنین موضوعاتی وجود ندارد. او حتی حاضر نبود با ما حرف بزند و فقط فریاد می‌زد. مرد جوان افغانی هم هنگام عبور از کنار عکس‌ها روی عکس خامنه‌ای دست کشید و به نشانه‌ی احترام دستش را بوسید و به سرعت از ما دور شد. بعضی از زنان جوان محببه با دوست فمینیست بلژیکی ما که در حال پخش کردن اطلاعیه‌های آکسیون بود وارد بحث می‌شدند و او را «نژادپرست بلوند» خطاب می‌کردند. در اواسط برنامه هم تعدادی دختر جوان که پوشش کامل اسلامی داشتند با اشاره به یکی از عکس‌های ما با موضوع قوانین ضدزن اسلامی، درصدد ایجاد تنش بودند. اشاره آن‌ها به عکسی بود که در مخالفت باحجاب اجباری ترجمه‌ی آیت‌ی از قرآن را به همراه داشت. ابتدا سعی کردیم توضیح دهیم که موضوع آکسیون چیست و ما دولت اسلامی را هدف قرار داده‌ایم و نه مسلمانان را و ... اما مطلقاً توجهی به بحث ما نداشتند و متقابلاً می‌گفتند شما حق ندارید در بلژیک از اسلام بدگویی کنید. به ما این‌جا بد نگاه می‌کنند. ما می‌گفتیم اما آن‌جا به خاطر اسلام نهنها به ما بد نگاه می‌کنند، نهنها دستگیر می‌شویم و شلاق می‌خوریم بلکه هزاران نفر را هم به حکم اسلام کشته‌اند. چرا ما باید سکوت کنیم؟! ولی آن‌ها درصدد محکوم کردن ما بودند و حتی ادعا داشتند که ایران یک نظام دموکراتیک دارد، اسلام دینی دموکراتیک است و این ما هستیم که اسلام را نمی‌شناسیم و خودمان آن را تفسیر کرده‌ایم. این‌ها که نوشته‌ایم، احادیث هستند. وقتی گفتیم این‌ها کدامیک از آیات قرآن‌اند و حدیث نیستند. گفتند ایرانی‌ها شیعه هستند و اسلام را نمی‌فهمند و ... آن‌ها عصبی و ناراحت با دوستان‌شان تماس می‌گرفتند و بعد از چند دقیقه‌های تعدادی دختر و پسر جوان مسلمان در محل جمع شده بودند و در مقابل بی‌اعتنایی ما به تنش‌های‌شان، با فحش‌های جنسیتی عصبانیت خود را تخلیه می‌کردند. در مجموع بحث با آن‌ها بی‌ثمر بود و مثل بسیجی‌ها و فالانترهای اسلامی هیچ وظیفه‌ای جز تخریب اهداف ما و ایجاد تنش نمی‌دیدند، متقابلاً بعضی از بلژیکی‌ها هم سعی می‌کردند با به رخ کشیدن دمکراسی اروپایی (بخوانیم دمکراسی بورژوازی) آن‌ها را عقب بزنند و از ما می‌خواستند که این جوانان را به دست پلیس بسپاریم که مخالفت کردیم؛ اما می‌توان گفت در مجموع دو برخورد متفاوت را شاهد بودیم: اول از همه فضای ناآگاهی از عملکرد بنیادگرایی اسلامی که به اسلام‌ستیزی و مسلمان‌هراسی دامن می‌زد و عمدتاً در بین اروپاییان ناسیونالیست سفید و البته ایرانیان ناسیونالیست و ضدعرب برجسته است؛ و دیگری باز هم ناآگاهی توده‌های مسلمان خصوصاً جوانان نسل دوم و سوم که برای مقابله با ستم‌های تاریخی وارده بر نسل‌های قبل و همچنین برخوردهای نژادپرستانه و نابرابر در کشورهای اروپایی به اسلام بنیادگرا پناه آورده و پرچم آن را بلند کرده‌اند. برخورد هم‌زمان به این دوگانه‌ی مملو از ناآگاهی، تنفر و حس انتقام آسان نبود. هر چند ما توانستیم با افراد هر دو گروه برخوردی نسبتاً اقلان را پیش ببریم، اما فضا آماده‌ی تشنج و برخوردهای انتقامی بود. ما با تمام توان سعی کردیم به مردم نشان دهیم که با هیچ‌یک از این دو قطب تاریخ‌مصرف گذشته (بنیادگرایی اسلامی و سرمایه‌داری امپریالیستی) سمت‌گیری نداریم اما تضادهای حاد درون مردم نشان داد که درک عمیق‌تر از دو منسوخ سرمایه‌داری امپریالیستی و بنیادگرایی اسلامی و اهمیت معرفی جایگزین برای چنین نظام دهشت‌باری چقدر اضطراری است. هر چند که این آکسیون روی موضوع اعدام در ساختار جمهوری اسلامی در طول حیاتش متمرکز بود اما نشان داد برای پایان دادن به این نظام سراسر دهشت و دادخواهی واقعی نیاز داریم که کلیت این نظام را افشا کرده و توده‌ها را برای نقش گرفتن در این مبارزه‌ی بزرگ تغییر دهیم.

در پایان باوجود تمام تنش‌ها و تضادها جمع کوچک ما با موفقیت محل را ترک کرد درحالی‌که همگی خودمان را برای برخوردهای جدی‌تر آتی آماده کرده و مصمم شدیم که این مبارزات را نه فقط برای یادمان و یادبود بلکه به‌عنوان بخشی از مبارزه‌مان جدی‌تر به‌پیش ببریم.

۴ اکتبر ۲۰۱۶

کمیته جوانان بلژیک و سازمان زنان ۸ مارس (ایران-افغانستان) – واحد بلژیک









